

عکس ببینیم عکس بگیریم

ترجمه‌ی مهسا قباپی

در این صفحه، آنچه برایم جالب بود، تباین رنگی ایجاد شده میان رنگ قرمز پرده‌های چهارخانه و رنگ آبی صندلی‌ها بود. می‌خواستم عکسی داشته باشم که در آن قدرت رنگ‌های آبی و قرمز یکسان و معادل هم باشد؛ البته برای پرهیز از ایجاد تقارن نصف به نصف در تصویر، به جای عکاسی از روبه‌رو، زاویه‌ی دیدی را انتخاب کردم که بتوانم، بخشی از دیوار را هم در کار خود جای دهم.

ترکیب بندی

مهم ترین رکن در شکل گیری يك تصویر، ارتباط میان اجزای تصویر یا ترکیب بندی آن است. افراد بی تجربه از منظره یاب دوربین، مانند دوربین تفنگ شکاری استفاده می کنند و آن را ابزاری برای هدف گیری سوژه یا موضوع اصلی و اولیه، آن هم در وسط کادر، بدون در نظر گرفتن دیگر عناصر موجود در محیط که احتمالاً می توانند به بیان عکس کمک کنند، [می دانند]؛ یعنی به جای مشاهده ی دقیق و کامل و سپس تصمیم گیری، فقط آنچه را در منظره یاب دوربین پیدا می کنند، به عکس تبدیل می کنند.

مشاهده

شاید پیدا کردن مرزعه ای از شقایق که قرمزی آن با درخشش خاصی از دوردست نیز پیدا است، کار سختی نباشد؛ اما قطعاً آنچه عکاس را جذب این منظره کرده، فقط رنگ گل ها نبوده است؛ بلکه ردیف درختان و منظره ی تپه های دوردست در پس زمینه ی تصویر هم بوده است. (تصویر ۱)

تفکر

من در کنار مزرعه مشغول قدم زدن شدم؛ به طوری که بتوانم، تپه های دورتر را نیز در دیدرس داشته باشم؛ البته جای خورشید و نوری که بر صفحه می پاشید نیز بسیار مهم بود.

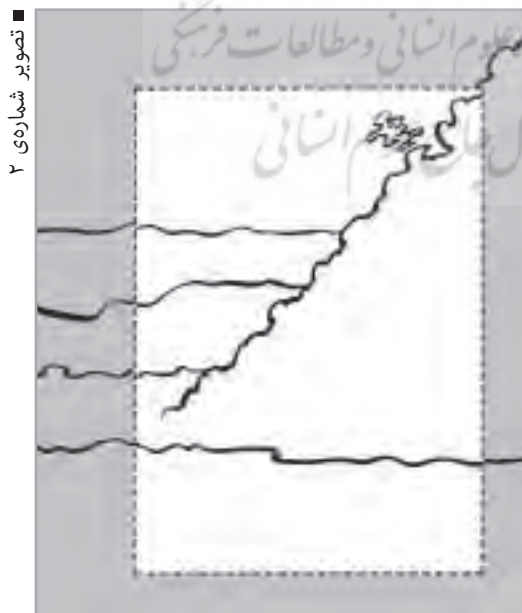
زاویه ی دوربین به گونه ای باید انتخاب می شد که نور مناسب و زیبایی را در تصویر بنمایاند. سرانجام وقتی به زاویه ی دید مناسب رسیدم، همه ی آنچه را می خواستم، در کادر خود داشتم. انبوه شقایق با پس زمینه ای از درخت ها و تپه که در نور مناسب خورشید می درخشیدند.

تصمیم گیری

تصمیم گرفتم که در کادر تصویر خود، سه ردیف رنگ داشته باشم. يك ردیف آبی آسمان، يك ردیف، سبزی درختان و تپه ها و يك ردیف، سرخی شقایق ها. برای رسیدن به چنین چیزی، کادر عمودی را انتخاب کردم و از لنز تله زوم استفاده کردم تا بتوانم طوری این منظره را کادربندی کنم که هر يك از این سه رنگ سهمی معادل یکدیگر در عکس داشته باشند. از يك فیلتر قطبی شده^۱ نیز برای تقویت رنگ آبی آسمان و افزایش خلوص رنگ قرمز شقایق ها، کمک گرفتم.

طراحی با رنگ

یکی از اثرگذارترین ویژگی های تصاویر جذاب و چشم گیر، استفاده ی دقیق عکاس از رنگ هاست. عکاسان کم تجربه، بیشتر در این دام می افتند که تصور می کنند که هر سوژه یا منظره ای که پر از رنگ های مختلف است، عکس رنگی خوبی نیز خواهد شد؛ در حالی که معمولاً عکس آن به واقعیت نزدیک تر است. استفاده ی محدود از رنگ ها نتیجه ی بهتری می دهد.



تصویر شماره ۱

تصویر شماره ۲



يك قانون كلي

موضوعاتی با رنگ‌های درخشان، مانند آنچه در این منظره از خیابانی در «جیپور» هند می‌بینید، در نور معمولی و خنثی بهتر دیده می‌شوند؛ بنابراین هوای ابری و گرفته یا سایه‌های وسیع برای تهیه‌ی عکس‌هایی با سوژه‌هایی غنی از رنگ، وقت مناسبی است. (تصویر ۳)

پی‌نوشت

Polarized .1

مشاهده

وقتی این بنا و برج نزدیک به آن را در میان تاکستان دیدم، تصمیم گرفتم تصویری از هر دوی آن‌ها در یک کادر داشته باشم. صبح زمستانی ساکتی بود. از جایی که من ایستاده بودم، یعنی روبه‌روی درب اصلی بنا، برج در پیش‌زمینه کادر دیده می‌شد که چندان جذاب نبود. (تصویر ۴)

تصمیم‌گیری

تصمیم گرفتم که به آرامی دور تا دور بنا رانندگی کنم و به زاویه‌ای دست پیدا کنم که بهترین کیفیت نور را داشته باشد. خوشبختانه در سمت دیگر بنا، شاهد نخستین پرتوهای خیرکننده‌ی آفتاب، روی دیوارها بودم. هم‌زمان برج را نیز در کادر خود داشتم.

تصمیم‌گیری

چون فاصله‌ی زیادی از این مجموعه داشتم، تصمیم گرفتم از لنز تله‌زوم استفاده کنم؛ به این ترتیب می‌توانستم بخش‌های غیرلازم منظره و تاکستان را حذف کنم و هم‌چنین فضای کافی را در اختیار سوژه‌ی اصلی قرار دهم.

